

مراسم چهلمین روز خاک سپاری رهبر شهید برگزار می شود

امام جمعه موقت تهران با اشاره به برگزاری مراسم چهلمین روز خاکسپاری امام شهید و خانواده ایشان گفت: این مراسم هفته آینده در تهران، قم و مشهد برگزار خواهد شد. آیت الله سیداحمد خاتمی با اشاره به برگزاری مراسم چهلمین روز خاکسپاری امام شهید و خانواده ایشان گفت: مراسم چهلمین روز خاکسپاری شهدای مقاومت در همین ایام برگزار می شود. امام جمعه موقت تهران با اشاره به حضور باشکوه مردم در مراسم تشییع پیکر امام شهید افزود: همه طوایف در تشییع پیکرهای سنگ تمام گذاشتند، ان شاء الله در مراسم چهلیم نیز مطمئنم شما مردم غیور سنگ تمام خواهید گذاشت.

دکتر پزشکیان سالگرد استقلال پاکستان را تبریک گفت

رئیس جمهور در پیامی فرا رسیدن هفتاد و نهمین سالگرد استقلال جمهوری اسلامی پاکستان را به نخست وزیر، دولت و ملت این کشور تبریک گفت. دکتر مسعود یزنشیکان روز گذشته در پیام تبریک فراسیدن سالگرد استقلال جمهوری اسلامی پاکستان، خطاب به آقای شهباز شریف نخست وزیر این کشور، این مناسبت را فرصتی مغتنم برای ارتقاءدشت دستاوردهای ملت بزرگ پاکستان و نیز نقطه عطفی نوین در مسیر تعقیق و گسترش روابط دو جانبه و راهبردی این جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان دانست و تصریح کرد: بی تردید، پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، تمدنی و مردمی میان دو ملت، سرمایه‌ای ارزشمند برای ترسیم افق‌های روشن‌تر در مناسبات دو جانبه به شمار می‌رود. رئیس جمهور با تأکید بر این که منافع مشترک و سرنوشت دو ملت بیش از پیش به یکدیگر گره خورده و این واقعیت، ضرورت هم افزایی و همکاری نزدیک‌تر تهران و اسلام‌آباد را دوچندان می‌سازد، افزود: جمهوری اسلامی ایران بر عزم و اراده خود برای تقویت بیش از پیش روابط همه جانبه با جمهوری اسلامی پاکستان تأکید دارد و آمادگی دارد بر پرتو اعتماد و احترام متقابل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گسترده موجود، گام‌های مؤثرتری در جهت تحکیم مناسبات دو کشور و تأمین منافع مشترک دو ملت برداشته شود.

قالیاف:

حکم، حکم ولایت و رهبری است

رئیس مجلس شورای اسلامی عصر روز گذشته در نشستنی با جمعی از نمایان فرهنگی کشور در تبیین جایگاه ولایت فقیه و نقش او در جامعه گفت: یاد کنیم از امام شهیدمان؛ کسی که با گفتارشان، با رفتارشان و با عملشان، به همه ما آموخت، آموزش داد، تربیت کرد و با گام به گام هدایت کرد. محمد باقر قالیباف با اشاره به شخصیت های والا و مجاهد های امام شهید انقلاب، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای (قدس الله نفسه زکیه) افزود: او بود که ما را با مفاهیمی مثل شهادت، شجاعت، قیام، مبارزه، استکبارستیزی، ظلم ستیزی، مقاومت، وحدت، عقلانیت، عدالت و معنویت آشنا کرد و به ما آموزش داد. قالیباف تصریح کرد: در کنار این ها، به ما آموخت فکر کنیم؛ به ما محبت و گذشت را آموخت؛ روش زندگی را به ما آموخت. او به ما کار تشکیلاتی و خودباوری و مردم سالاری یاد داد. رئیس قوه مقننه گفت: من با همه وجودم، این را می گویم و بر این ایست که برای من امام کبریمان و بین امام شهیدان و امروز ما رهبر معظم انقلاب اسلامی فرقی ندارند؛ حکم، حکم ولایت است، حکم، حکم رهبری است.

انهدام باقیمانده یک تیم تروریستی در جنوب استان سیستان و بلوچستان

پس از هلاکت تعداد ۲ نفر از عناصر گروهک تروریستی ۱۵ مرداد جاری در جنوب استان سیستان و بلوچستان، یک نفر از باقیمانده این تیم تروریستی دستگیر و مقادیری سلاح، مهمات و تجهیزات انفجاری و ارتباطی از این تیم کشف گردید. به گزارش سپاه نیوز پس از یک هفته اشراف اطلاعاتی دقیق در تعقیب سایر عناصر باقیمانده این تیم، در صبح روز جمعه با تلاش پاسداران گمنام امام زمان (عج) قزاقه قدس نیروی زمینی سپاه و سازمان اطلاعات فرماندهان استان سیستان و بلوچستان، یک نفر دیگر از اعضای این تیم به همراه مقادیر زیادی سلاح، مهمات، تجهیزات انفجاری و ارتباطی در جنوب استان دستگیر شد. اعضای باقیمانده این تیم قصد انجام اقدامات تروریستی بر روی اهداف از پیش تعیین شده در جنوب استان را داشتند.



مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

تراپم روز چهارشنبه بار دیگر مدعی شد آمریکا کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار دارد و محاصره دریایی این کشور را «دیوار فولادی» خواند و مدعی شد ایران در برابر آن کاری نمی‌تواند انجام دهد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی گزارش‌های رسانه‌ای در سواحل دریاه و ضواحه تردد کشتی‌ها با روایت کاخ سفید همخوان نیست و داده‌های کنستیرانی، برخلاف ادعاها بزرگداشت و کنترل کامل تنگه، از تداوم اختلال جدی در عبور و مرور حکایت دارد.

در همین چارچوب محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز با تأکید بر شروط ایران برای پایان وضعیت موجود اعلام کرد: «پیام ایران واضح است: تنگه هرمز تا زمانی که ایالات متحده جنگ و محاصره را ادامه دهد، دارای سد، منجمد شده و غیرقابل عبور خواهد بود. هرگاه ایالات متحده از آزاد کردن و برآتشش منتهی نشود، از جمله در لبنان و غزه، توافق کند، بازگشایی نخواهد شد. تا زمانی که همه شروط برآورده نشود، تنگه بسته باقی خواهد ماند».

در تازه‌ترین تحول، آژانس عملیات تجارت دریایی بریتانیا از اصابت یک پهپاد به یک نفتکش هنگام خروج از تنگه خبر داده و اعلام کرده کشتی دچار خسارت جزئی شده است. همزمان شرکت ملی نفت ایوبلی نیز از هدف قرار گرفتن دو نفتکش خود در آبراه خبر داده است. مجموعه این حوادث نشان می‌دهد فاصله میان ادعای «کنترل کامل» واشنگتن و واقعیت عملیاتی حاکم بر هرمز همچنان قابل توجه است.

از سوی دیگر محاصره طولانی مدت ایران، هزینه‌هایی برای خود آمریکا نیز به‌همراه داشته است؛ از فشار بر بازار انرژی و نگرانی درباره قیمت نفت گرفته تا هزینه‌های سنگین استمرار حضور نظامی. نمونه قابل توجه، ناویه‌یامبر «آبراهام لینکلن» است که پس از ماه‌ها استقرار پیوسته در دریای با گزارش‌های درباره فرسودگی آن، به‌سرعت استقرار پیوسته در دریای مدیترانه را به‌پوشش داده است؛ موضوعی که حتی شماری از نمایندگان کنگره آمریکا را به طرح پرسش درباره ضرورت و پیامدهای ادامه این ماموریت واداشته است.

در واقع، آنچه امروز در هروم جریان دارد، بیش از آن که رقابت بر سر «روایت» باشد، آزمونی برای قدرت واقعی دو طرف است. تهران با اتکا به توانمندی نیروی دریایی سپاه، تحرکات در این آب‌راه را زیر نظر دارد و با گواشایی آن را به پذیرش شروط ایران از سوی آمریکا گره زده است؛ در مقابل، واشینگتن برای حفظ محاصره و حضور نظامی خود ناچار به ارائه هزینه‌های فراوان شده است. اما ماه‌ها حضور فرسایشی ناو «آبراهام لینکلن» و فشار بر خدме آن گرفته تا گرانگانی از قیمت نفت و تبعات اقتصادی تداوم بحران، نشانه‌ها حاکی از آن است که محاصره ایران برای واشنگتن نیز به یک میدان پرهزینه تبدیل شده



٥٤٠

شکستن روایت‌های اقلیت‌انگار

۱- از جمله برکات و آورده‌های اجتماعات مؤمنانه شبانه این بود که روایت انقلابی‌ها به مثابه اقلیت را درهم شکست و در عمل و عین، نشان داد هرگز چنین نیست. روشنفکری سکولار، همواره چنین القا می‌کرد که انقلابی‌گری، گفتمانی منزوی و ناچیز است و بدنه اجتماعی‌اش، به‌شدت افول و سقوط کرده و جریان عمومی و عمده جامعه ایران، به سوی دیگری حرکت کرده است. ظهورات و تجلیات انقلابی‌ها در این اجتماعات، این روایت سیوگرنه و سکولار را باطل کرد و ثابت کرد که انقلابی‌گری، همچنان از بدنه اجتماعی گسترده و فراخ برخوردار است. نه‌فقط در این اجتماعات، بلکه در راهپیمایی‌هایی ۲۲ دی و ۲۲ بهمن و ۲۲ اسفند سال ۱۳۴۶ موج انبوهی از اجتماعات مؤمنانه شکل گرفت که نشان از قلمرو وسیع این هویت در متن جامعه داشت. نقطه‌اوج این اجتماعات، مراسم بدرقه رهبر شهید بود که یک کلان‌روایت تاریخی و فربه از ریشه‌های اجتماعی انقلابی‌گری به نمایش نهاد. در این بدرقه تاریخی، سیل مردمان مبعوث، پایان نداشت و وضع به‌گونه‌ای رقم خورد که بزرگ‌ترین بدرقه تاریخ پدید آمد. در همه این اجتماعات شهری، مسأله اصلی و قانونی، اظهار ارادت و وفاداری به «انقلاب» و «رهبر» و «مقاومت» بود. بنابراین، نباید انقلابی‌گری، در دهه شصت حبس نگردید، بلکه در متن اکنون مانیز جای راست.

۲- حقیقت برجسته دیگر در این واقعیت اجتماعی، خصوصیت حماسی و معنوی این اجتماعات بود. گاهی اجتماعات وسیعی شکل می‌گیرند اما در عمق این انبوهه‌های انسانی، معانی قدسی و تنهاتر ضداطلاقی به چشم نمی‌خورد اما در اجتماعات پس از جنگ تحمیلی سویم، شاهد جوشش ارحامه‌ساقی (انقلابی) و تعقلاتی دینی (دوم، این اجتماعات را از آن جهت که دلالت بر «مبارزه» و «مقاومت» و «ایستادن» و «جهاد» و «انتقام» داشتند و منحصراً به سوگو و ماتم نبودند، باید «میدان دوم» خواند؛ اگر میدان اول، عرصه مواجهه سخت و نظامی است، میدان دوم، عرصه مواجهه نرم و نمادین است. به این ترتیب، مفهوم «خیابان» شکل گرفت در کنار مفهوم «میدان» نشست و دوشادوش آن، به عنصر تعیین‌کننده و راهبردی تبدیل شد. این اجتماعات،

پاسخ فرمانده نیروی دریایی سپاه به ادعای ترامپ درباره کنترل کامل تنگه و روایت آمریکایی‌ها از وضعیت هرمز

هرمز در قبضه ایران



است. در چنین شرایطی، ادعای «کنترل کامل» هرگز بیش از آنکه واقعیت قدرت آمریکا را نشان دهد، تلاشی برای پوشاندن شکافی است که میان تصویرسازی کاخ سفید و واقعیت میدان ایجاد شده است؛ میدانی که در آن ایران تنها توانسته تنگه را به اهرم فشار خود تبدیل کند، بلکه آمریکا را وادار کرده است هزینه حفظ حضور و ابعاد قابل روزه‌روز بیشتر بپردازد. این همان نقطه‌ای است که باید از آن، ابعاد واقعی هزینه‌های راهبرد آمریکا در برابر ایران را بررسی کرد.

محاصره‌ای که برای واشنگتن هم هزینه دارد

از این منظر، اقدام ایران را می‌توان نوعی بازدارندگی نامتقارن دانست. تهران هزینه‌ای به مراتب کمتر از هزینه‌ای که واشنگتن برای حفظ حضور گسترده نظامی خود محتمل می‌شود. نتیجه، زنتها در میدان نظامی دیده نمی‌شود. افزایش ریسک عبور، هزینه بیمه را بالا برده و زنجیره حمل و نقل جهانی را تحت فشار قرار داده است. براساس گزارش‌های منتشرشده درباره بازار بیمه دریایی، نرخ بیمه جنگ برای عبور از هرمز به سطحی محتمل بالاتر از ریسک از جنگ رسیده است؛ به این معنا که حتی بدون شلیک مستقیم به یک کشتی، هزینه اقتصادی سیاست آمریکا و بحران هرمز به شرکت‌های حمل و نقل و در نهایت مصرف‌کنندگان آمریکایی منتقل می‌شود. این وضعیت یک تناقض اساسی برای دولت ترامپ ایجاد کرده است. واشنگتن می‌خواهد با محاصره اقتصادی و دریایی ایران، را تحت فشار قرار دهد اما هرچه این محاصره طولانی‌تر شود، هزینه‌های آن از مرز ایران عبور کرده و به اقتصاد جهانی و خود شرکت‌های بازرگانی جهان، کالاهای لویدی، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های کشتیرانی ایران، اعلام کرده اختلال ناشی از بحران هرمز در سه‌ماهه دوم حدود ۶۰۰ میلیون دلار برای این شرکت هزینه داشته است. افزایش هزینه سوخت، بیمه، انبارداری و تغییر مسیر، بخشی از این فشار را تشکیل می‌دهد.

فرسایش و فرار نماد قدرت نظامی آمریکا از میدان نبرد

اما بخش مهم تر ماجرا، هزینه نظامی است. ناو «آبراهام لینکلن»

صوری و صنعتی و تشریفاتی نبودند، بلکه در متن ظاهر کمی خویش، دلالت‌های کیفی داشتند. در زمانه جنگی که فاصله زندگی از مرگ اندک می‌شود و بسیاری در پی گریختن و جان سالم به‌در بردن هستند، حضور در خیابان و اصرار بر اجتماعات مؤمنانه، جز بر خط مقاومت و جهاد و ضدیت با استکبار تجدیدی، معنایی ندارد. این امر، حکایت از استمرار روحیه و هویت غیظ انقلابی در بخش بزرگی از جامعه ایران دارد و نشان می‌دهد غیظ و سیرت، هر دو در این لایه اجتماعی، تاوادم یافته است.

۳- این‌که روشنفکری سکولار می‌کوشد انقلاب‌گری را در جامعه، اقلی و ناچیز تصویر و روایت کند، بدین سبب است که می‌خواهد براساس این خوانش - که عهد انقلابی را منقضی و منقرض می‌انگارد - نظام سیاسی را وادار به درپیش گرفتن مسیر لیبرالیسم جهانی شده کند. مسأله ناکفته روشنفکری سکولار، تهی‌ساختن «نظام» از «انقلاب» است و برای دستیابی به این مقصود، چاره‌ای جز این ندارد که ثابت کند «جامعه» در مسیر متضادی با انقلاب و انقلاب‌گری غلبیده است و این جامعه، دیگر در گفتمان ارزش‌اندیش دهه شصت قرار ندارد، بلکه اسیر و شیفته عالم تجدد شده است.

از این رو، حاکمیت نباید در آنچه که اصالت‌های انقلابی خوانده می‌شود، بماند و آن را بطلبد، بلکه به‌ناچار، باید داوطلبانه، در خویشن هیتی‌اش تجدیدنظر کند و جانب تحولات اجتماعی غیرانقلابی و سکولار را بگیرد تا بماند. در غیر این صورت، جامعه بر تحریر و توقف حاکمیت، خواهد شورید و موجودیت نظام، به چالش کشیده خواهد شد. بدین جهت، باید واگرایی‌ها و چرخش‌ها و بازاندیشی‌های اجتماعی‌شده و خودجودش را پذیرفت و انگاره و چارچوب آغزاین و رایج را به کلی کنار نهاد. تمامیت این تجویر، مبتنی بر ارجاع به جامعه است؛ جامعه عبورکرده از عهد انقلابی و متجدد شده که دیگر به یکنواختی‌ها و همگونی‌های دهه شصت، باور و التزامی ندارد و متکثر و چندپاره شده است. البته ما در عین این که به شکل‌گیری الیه جامعه‌ای متجدد، اعتراف داریم و آن را از انکار نمی‌کنیم اما مطابق آنچه‌که گفته شد، بر این باوریم که لایه اجتماعی انقلابی، چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی، توانمندتر است و قادر است موجب تداوم انقلاب را فراهم آورد. ما با اطمینان بسیار بیشتر و شواهد عینی‌تری می‌توانیم به جامعه ارجاع بدیم و از استقرار انقلابی‌گری و حیات گفت‌مان آن سخن بگوییم.

آنکون به نمادی از فرسایشی شدن ماموریت آمریکاتبدیل شده است. این ناو با حدود پنج هزار ملوان و تکنگذار دریایی بیش از هشت ماه در دریا بوده و گزارش های رسانه های آمریکایی و اظهارات خانواده های خدمه، از فشار شدید ناشی از این استقرار طولانی حکایت دارد. در حالی که پنتاگون برخی گزارش ها درباره، وحات شرایط را رد کرده، گزارش های متعدد درباره خستگی، مشکلات تامین و نگرانی های روانی خدمه باعث شده شمار ای اعضای کنگره خواستار توضیح رسمی وزارت دفاع شوند. اهمیت این موضوع فقط در مشکلات یک ناو خلاصه نمی شود. ناو هواپیمابر یکی از گران ترین ابزارهای قدرت نظامی آمریکا است و هنگامی که برای ماه ها در یک منطقه باقی می ماند، هزینه آن تنها سوخت و نگهداری نیست؛ مساله فرایش خدمه، تجهیزان، آمدادی عملیاتی و محدود شدن امکان استفاده از همان نیرو در سایر مناطق نیز مطرح می شود. اعزام ناو «جورج واشنگتن» برای جایگزینی لینکلن نیز نشان می دهد ادامه این وضعیت نیازمند یک خرجه مستمر استقرار نیروست

تغییر محاسبات در کاخ سفید

از سوی دیگر، اظهارات جی دی ونس درباره این که «پایان نگه داشتن قیمت نفت و گاز برای آمریکایی ها، اکنون هدف اصلی واشنگتن است. تصویری مهم از تغییر محاسبات کاخ سفید ارائه می دهد. اگر هدف جنگ در ابتدا با عباراتی مانند تغییر رفتار سیاسی ایران، مهار برنامه هسته ای یا تضعیف توان نظامی تهران تعریف می شد، اکنون مساله قیمت انرژی و ثبات بازار به یکی از دغدغه های اصلی تبدیل شده است. این تغییر اولویت را باید در کنار نزدیک شدن انتخابات میان دوره ای آمریکا و حساسیت جامعه این کشور نسبت به قیمت سوخت ارزیابی کرد.

حتی در داخل محافل راهبردی آمریکا نیز درباره امکان تبدیل بحران ایران به یک جنگ فرسایشی هشدار داده شده است. شورای روابط خارجی آمریکا در تحلیلی درباره آینده جنگ، نسبت به ورود واشنگتن به دیگری ای هشدار داده که پایان آن ممکن است بیش از کنترل دولت آمریکا باشد.

در چنین شرایطی، مسکن اصلی برای تهران تنها حفظ بسته ماندن هرمز نیست؛ بلکه استفاده از این اهرم برای تحمیل یک واقعیت جدید به طرف مقابل است: امنیت و عبور از مهم‌ترین گلوگاه انرژی جهان نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن قدرت و تصمیم ایران تضمین شود. اقتدار آمریکا پس از ماه‌ها جنگ، حضور گسترده نظامی و فشار اقتصادی همچنان برای بازگرداندن ترانزیت عادی به مذاکره با تهران و پذیرش ترتیبات جدید نیازمند باشد. این خود نشانه‌ای از تغییر موازنه است.

از همین جاست که تکذیب ادعاهای مربوط به «کنترل کامل» آمریکا اهمیت پیدا می‌کند. عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان نیز با اشاره به سابقه خطاهای اطلاعاتی واشنگتن درباره ایران هشدار داده است که آمریکا در قبال هرمز مرتکب «اشتباه محاسباتی حتی بزرگ‌تری» شده است. در واقع، مسأله‌ای که امروز در برابر واشنگتن قرار دارد فقط باز کردن یک تنگه نیست؛ بلکه پذیرش این واقعیت است که قدرت نظامی آمریکا نتوانسته است ایران را از اعمال نفوذ بر محیط پیرامونی خود خارج کند و ادامه فشار، به جای وادار کردن تهران به تسلیم، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را به طرف آمریکایی نیز منتقل کرده است.

احیای مطالعات تخصصی درباره آمریکا و رژیم صهیونیستی است. چند سال پیش میزهای تخصصی برای بررسی تحولات آمریکا وجود داشت که بعدها منحل شد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی، نباید این ضرورت را نادیده گرفت. امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین تهدیدهای خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند و بنابراین لازم است تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آنها به‌صورت مستمر و روزآمد مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس می‌توان میزهای تخصصی آمریکا و رژیم صهیونیستی را در دو وزارت امور خارجه احیا کرد یا در صورت امکان، چنین ساختاری را شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای مرتبط ایجاد کرد. هدف از چنین ساختاری، رصد مستمر سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه و جهان و ارائه تحلیل‌های به‌روز برای تصمیم‌گیران کشور است. به‌ویژه آن‌که به نظر می‌رسد در حوزه شناخت دقیق ساختار سیاسی، امنیتی و راهبردی آمریکا و رژیم صهیونیستی، نیاز به تقویت و ترمیم برخی ظرفیت‌ها وجود دارد. سومین مسأله، ضرورت تقویت ساختارهای مرتبط با مقابله با اقدامات تروریستی و امنیتی دشمن است. در برابر اقداماتی که علیه مسئولان، فرماندهان و دانشمندان جمهوری اسلامی ایران انجام شده، کشور باید از ظرفیت‌های قانونی و امنیتی خود برای شناسایی عوامل و مقابله با شبکه‌های مسئول این اقدامات استفاده کند. طبیعی است که چنین موضوعی نیازمند ساختار مشخص، بودجه مناسب و سازوکارهای قانونی بوده تا کشور بتواند در برابر اقدامات مشابه دشمن، از ظرفیت‌های بازدارنده خود استفاده کند و هزینه اقدامات تروریستی علیه ایران را افزایش دهد. اما مسأله نهایی، نگاه بلندمدت و اهداف کلان جمهوری اسلامی است. با توجه به اعتقادات و آرمان‌های انقلاب اسلامی درباره ظهور حضرت مهدی (عج)، باید اهداف و مأموریت‌های کلان نظام نیز در یک چارچوب بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. راساس آنچه در خاطرات برخی فعالان سیاسی انقلاب، ازجمله مرحوم عسکرواژلادی، درباره این نگاه مطرح شده، این مسیر از استقلال و آزادی ایران آغاز می‌شود، سپس کشورهای اسلامی را دربرمی‌گیرد و در نهایت به حمایت از مستضعفان جهان و مقابله با سلطه استکباری منتهی می‌شود. این منظر، زمینه‌ساز برای تحقق حکومت اسلامی و فراهم کردن شرایطی که آرمان‌ها بتوانند در عرصه عمل تحقق پیدا کنند، رابد بخشی از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کشور باشد.